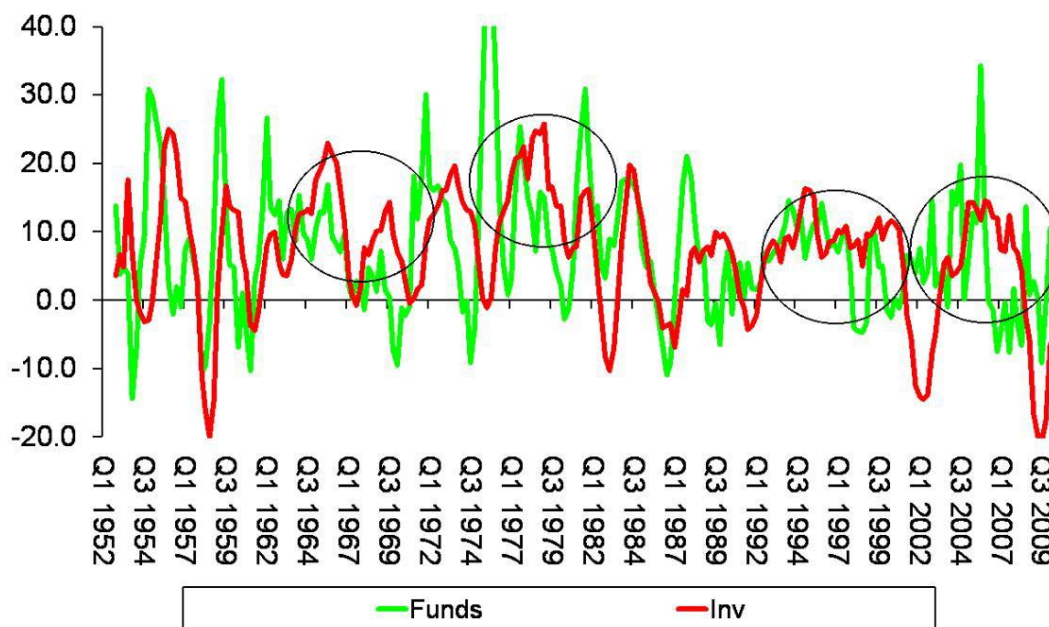


ترجمه: آرمان پویان

در نظام تولید و مبادله سرمایه داری، هیچ رابطه ای نزدیک تر از رابطه میان سود و سرمایه گذاری نمی تواند وجود داشته باشد. من پیش از این در مطالب متعددی گفته ام که عامل کلیدی هر بهبود اقتصادی در نظام سرمایه داری، بهبود سرمایه گذاری بخش خصوصی است و نه مصرف (آن گونه که کینزین ها ادعا می کنند).

من در یکی از نوشته های سابق خود (با عنوان گزینه اسپن و بحران سرمایه داری، ۸ اکتبر ۲۰۱۰) نموداری را به کار بردم که نشان می داد چگونه افزایش و کاهش در سود و قابلیت سوددهی، به افزایش و کاهش در سرمایه گذاری منجر می شود.

همان نمودار را بار دیگر در این جا ملاحظه می کنید. منحنی سبز نشان دهنده تغییرات سود شرکتی ایالات متحده در سه ماهه یک سال نسبت به سه ماهه مشابه سال پیش از آن (YoY) می باشد و نمودار قرمز نیز بیانگر تغییرات سرمایه گذاری ثابت خصوصی- در هر سه ماهه نسبت به سه ماهه مشابه سال قبل از آن- است. به وضوح دیده می شود که سود، سرمایه گذاری را به دوره های رونق و رکود هدایت می کند. به علاوه می توان دید که با بهبود کنونی وضعیت سود، سرمایه گذاری نیز رو به بازگشت است.

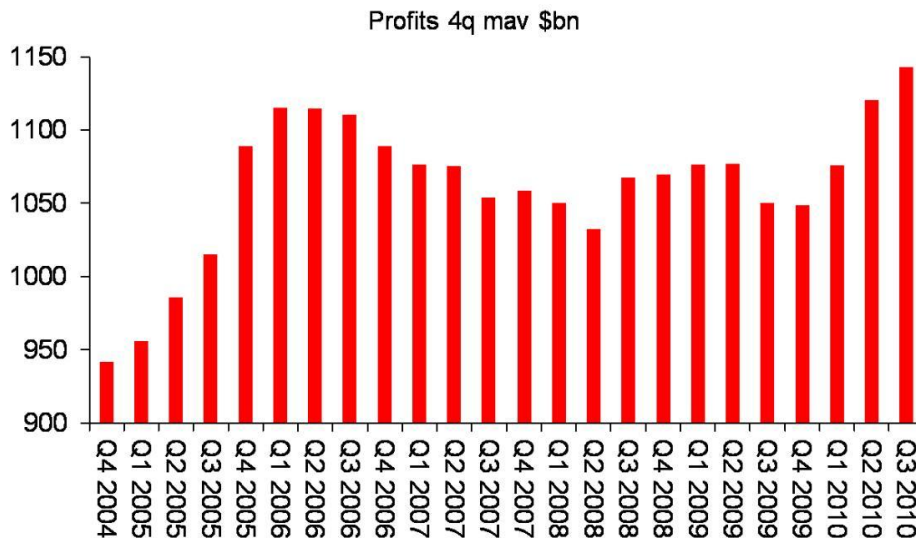


اجازه دهید تا با نگاه دقیق تر به روند بهبود فعلی اقتصادی و با لحاظ کردن داده های مربوط به ایالات متحده در سه ماهه سوم سال ۲۰۱۰، این مسأله را کمی بیش تر باز کنیم. شواهد در مورد سود کاملاً روشن است. سود شرکتی ایالات متحده، در اوایل سال ۲۰۰۶ به نقطه اوج رسید (در این جا مقدار مطلق سود مد نظر است و نه نرخ سود^۱ که اوایل سال ۲۰۰۵ به اوج رسید)

مجموع سود، از نقطه اوج خود در اوایل ۲۰۰۶ تا اواسط سال ۲۰۰۸ سقوط کرد و در اوایل سال ۲۰۰۹، بهبود اقتصادی محدودی را به وجود آورد. سپس بار دیگر به یک نقطه حداقل جدید در اواسط ۲۰۰۹ کاهش پیدا کرد. پس از آن، بهبود سود آغاز شد و در اواسط سال ۲۰۱۰، نقطه اوج سابق (یعنی اوایل ۲۰۰۶) پشت سر گذاشته شد.

¹<http://thenextrecession.wordpress.com/2010/12/29/profits-and-investment-in-the-economic-recovery/>

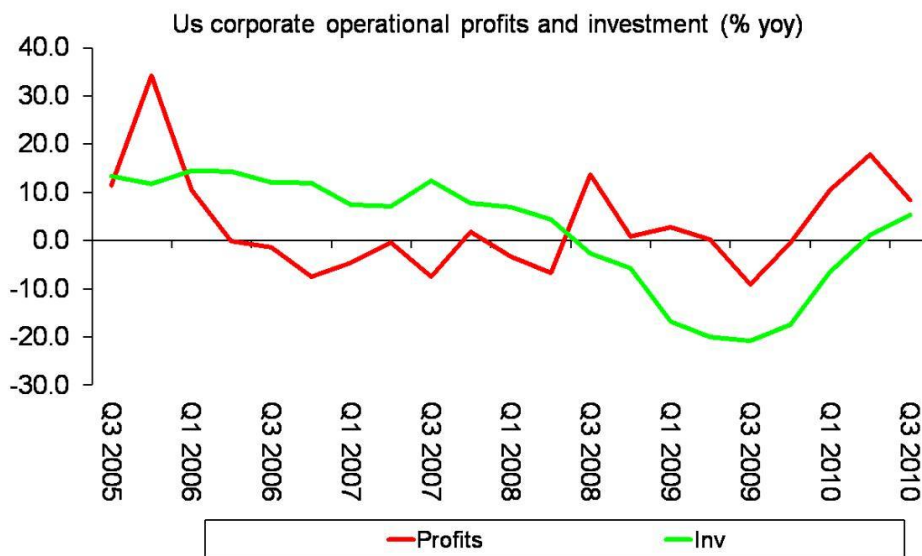
میزان سود تا سه ماهه چهارم سال ۲۰۱۰ (میلیارد دلار)



اما عکس العمل سرمایه گذاری در قبال این حرکت سود چه بود؟ هنگامی که رشد سود شرکتی ایالات متحده در اواسط ۲۰۰۵ روندی آهسته پیدا کرد و سپس میزان مطلق آن در سال ۲۰۰۶ سقوط نمود، سرمایه گذاری شرکتی برای مدتی به رشد خود ادامه داد. چرا که طی این مدت، شرکت ها به امید بازگشت سود، یا منابع خود را استفاده کردند و یا به افزایش وام گیری پرداختند. اما وقتی امید آن ها محقق نشد، رشد سرمایه گذاری در طی سال ۲۰۰۷ کند گردید و سرانجام میزان مطلق آن در سال ۲۰۰۸ سقوط کرد. سود از اواخر سال ۲۰۰۹ احیا شد و با گذشت شش ماه، سرمایه گذاری نیز بهبود پیدا کرد.

سود عملیاتی شرکتی آمریکا و سرمایه گذاری

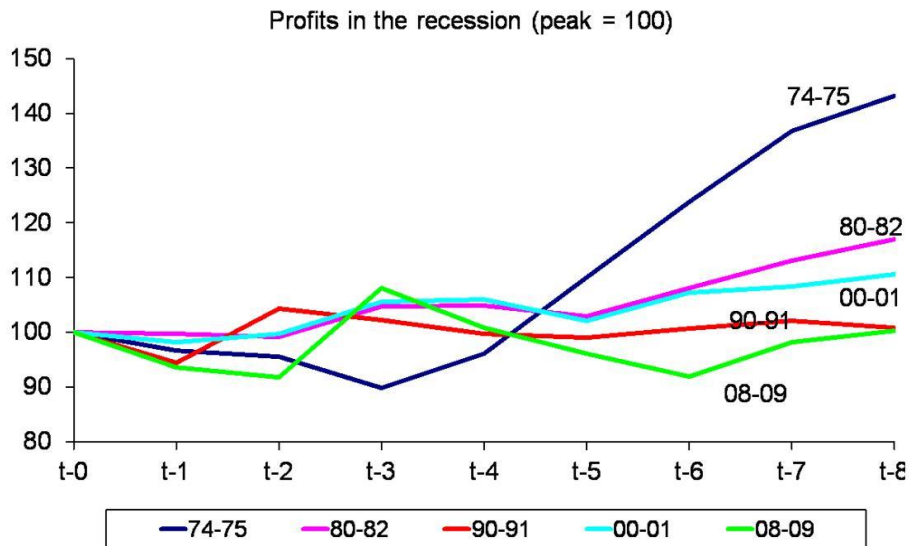
(درصد تغییرات سه ماهه هر سال نسبت به سه ماهه مشابه سال پیش از آن-YoY%)



این همان چیز است که انتظارش می رفت. میزان سود پیش از آغاز بحران اعتبارات، رو به سقوط بود. بنابراین همان طور که پیش تر نیز ادعا کرده ام، ماهیت بحران اخیر در واقع "مالی" نبوده، بلکه از یک بحران کلاسیک سوددهی در اقتصاد مارکسیستی تبعیت می کرده است (حتی اگر جرقة رکود در بخش مالی زده شده باشد). ضمناً، می توان دید که حرکت سود، راهنمای حرکت سرمایه گذاری است و نه بالعکس (آن طور که کینزین ها ادعا خواهند کرد).

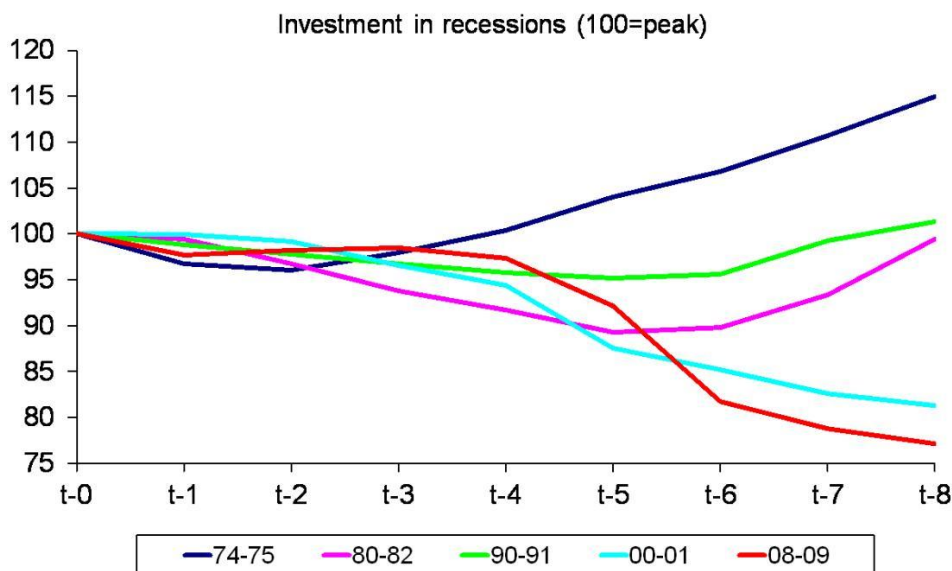
آن چه بهبود اقتصادی پس از رکود بزرگ را متمایز می کند، ضعف آن نسبت به بهبودهای اقتصادی سابق پس از دوره های رکود در ایالات متحده است. در حال حاضر، سود رو به بهبود است، اما با آهنگی به مراتب پایین تر از بهبودهای سابق. از نقطه حداقل سال ۲۰۰۸، هشت "سه ماهه" گذشته است تا سود به نقطه اوج سابق بازگردد. این در حالیست که در رکودهای قبلی، سود پس از طی چهار "سه ماهه" بازگشت. دلیل این موضوع در نوشته پیشین من با عنوان سیکل سوددهی و رکود بعدی (۱۸ دسامبر ۲۰۱۰) توضیح داد شد.

سود در دوره های رکود (نقطه اوج = ۱۰۰)



بهبود وضعیت سرمایه گذاری نیز این بار راه طولی در پیش دارد. پس از رکودهای دهه ۱۹۸۰ و دهه ۱۹۹۰، هشت "سه ماهه" زمان رفت تا سرمایه گذاری اسمی به نقطه اوج اسمی خود بازگردد. در حالی که این فاصله، برای رکود ۱۹۷۴ تا ۷۵، تنها چهار "سه ماهه" بود. اما در رکود بزرگ اخیر، سرمایه گذاری با گذشت ۱۲ سه ماهه از نقطه اوج خود در سه ماهه سوم سال ۲۰۰۷ بهبود را آغاز کرده و هنوز ۱۹ درصد پایین تر از نقطه اوج مذکور قرار دارد. بنابراین به طور مشخص این بهبود بسیار ضعیفی محسوب می شود.

سرمایه گذاری در دوره های رکود (نقطه اوج = ۱۰۰)



۱- در این جا مقصود نرخ سود با تعریف مارکسیستی آن نیست. (مترجم)